

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

نرخ گذاری اموال تجارتي

(ترجمه)

پرسش

این را می دانیم که بر حاکم حرام است تا اموال تجارتي مردم را برای شان نرخ گذاری نماید؛ زیرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین فرموده است:

«إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْخَالِقُ الْفَاضِضُ، الْبَاسِطُ الرَّازِقُ، الْمُسَعِّرُ، وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَلْقَى اللّٰهَ وَلَا يَطْلُبُنِي أَحَدٌ بِمَظْلَمَةٍ ظَلَمْتُهَا إِيَّاهُ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ» (به روایت احمد)

ترجمه: بدون شک الله، خالق قبض کننده، فراخ کننده رزق دهنده و تعیین کننده نرخ ها می باشد و من امیدوارم با الله در حالی ملاقات کنم که هیچ کس از من چیزی را طلب نکند که در خون و مال اش ظلمی را مرتکب شده باشم.

هم چنان پیامبر صلی الله علیه وسلم در جای دیگری می فرماید:

«مَنْ دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَسْعَارِ الْمُسْلِمِينَ لِيُغْلِبَهُ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ حَقًّا عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُقْعِدَهُ بِعُظْمٍ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (به روایت احمد)

ترجمه: کسی در نرخ های مسلمان ها دخالت نموده، آن را به آن ها به قیمت گران تعیین نماید، الله او را در روز قیامت در آتش بزرگ بسته می کند.

پرسش این است: وقتی که تعدادی از تجارها در یک منطقه جهت تعیین نرخ های اموال تجارتي جمع شوند؛ مثلاً: تجارهای برنج، جمع شوند و بر سر تعیین نرخ برنج، بالای تجارهای دیگر و یا بالای مردم در یک نرخ معین توافق نمایند؛ پس آیا این گونه نرخ گذاری اموال تجارتي به اتفاق تجار حرام شمرده شده، یا تعیین نرخ توسط دولت حرام بوده و یا حرمت تعیین نرخ مال تجارتي به اتفاق تجار، کدام ارتباطی ندارد؟

پاسخ

از حدیث دوم علت مسأله واضح می شود؛ زمانی که علت محقق شد، حکم هم جاری می گردد. اگر اتفاق تجار سبب بلند رفتن نرخ گردد، نهی شامل شان می شود؛ اما اگر اتفاق شان به خاطر منع مضاربات و یا تنظیم خرید و فروشی است که فروشنده نتواند مال خود را مخفی کند و او را به قیمت بلند بفروشد و دیگر تجارها را ترک نماید و او مال خود را پیشکش نماید، یا احتکارش کند که بعداً در وقت کمی اموال به فروش برساند، باکی ندارد. در غیر آن، تجار نباید مسأله خرید و فروش را تنظیم نمایند؛ اما رضایت اجتماع تجار، بر سر تعیین نرخ معین که به گمان اغلب باعث بلند شدن نرخ می گردد؛ مخصوصاً وقتی که آن ها خود صاحبان مال بوده و

جز آن‌ها کسی دیگر آن را نمی‌فروشد؛ پس اتفاق‌شان در این حالت به گمان اغلب تحت قاعده «الوسيلة إلى الحرام حرام» وسیله حرام، حرام است؛ واقع می‌شود. پس اشتراک‌شان در محدود ساختن نرخ کالا منجر به بالا رفتن قیمت می‌گردد؛ اگرچه قطعی هم‌نباشد؛ بلکه گمان اغلب است و گمان اغلب در چنین حالت کفایت می‌کند. قول راجع این است که اتفاق تجار بر سر تعیین نرخ‌های کالا جایز نیست. قیمت‌ها مطابق رواج بازار تعیین می‌شود، تجارها نرخ‌ها را مطابق به نرخ مروجه عیار می‌سازند که این امر باعث سهولت برای مردم شده و از بالا رفتن قیمت‌ها جلوگیری می‌کند.

در این راستا چیزی که باعث پسند من شده، قول ابن قیم جوزی است که در کتاب «الطرق الحکمیة» زیر عنوان فصل در مورد کسانی که اموال غیرمنقول و غیره را در بدل مزد تقسیم می‌کنند، چنین وارد شده است: «از همین جهت است که برخی علماء از جمله امام ابوحنیفه و یارانش، تقسیم‌کنندگان (جریب‌کش) کسانی که زمین و غیره را تقسیم می‌کنند، از اتفاق در تعیین نرخ منع نموده‌اند، به این دلیل: چون اگر آن‌ها اتفاق نمایند، اتفاق آن‌ها سبب بلند رفتن نرخ بالای مردم می‌گردد. گفتیم: به همین ترتیب برای مسئول نرخ‌ها، لازم است، تا این که غسل‌دهندگان مرده‌ها و حمل‌کننده‌گان مرده‌ها را از اتفاق‌شان در تعیین نرخ اجرت غسل و حمل مرده‌ها منع کنند؛ چون آن‌ها مزد را بالا می‌برند و هم‌چنین هر طائفه‌ای که مردم به آن‌ها نیازمند است از اتفاق‌شان در تعیین نرخ باید جلوگیری شود.»

برادران عطا بن خلیل ابوالرشته

28 ذوالحجه 1432 هـ.ق.

24 نوامبر 2011 م.

مترجم: بدرالدین حسینی